اسناد تاریخی: نامه خواجه نظام الملک به ملکشاه سلجوقی و پاسخ آن

عرضه داشت کمینه پیر غلام دیرینه نظام الملک آنکه بعز عرض بازیافتگان بارگاه‏ نواب خلیفة الارض میرساند و از ملازمان آستان فیض آشیان که امیدگاه پادشاهان روی زمین‏ و زمانست و کعبه اقبال حاجت خواهان التماس مینماید که چون مدت مدید و عرض بعلید شد که‏ من المهد الی العهد در سلک دولتخواهان بی‏اشتباه کمر خدمت و عبودیت بر میان جان بسته و از روی‏ صدق و اخلاص که از هنگام شباب تا ایام شبب بی‏اعتبار عار و عیب دولت آنحضرت بر مسند عزت‏ نشسته و سرانجام مهام ملک و اهل مملکت اهتمام تمام بجای آورده و الحمد اللّه تعالی که درینمدت‏ چهل سال که در پایه تحت سلطنت حضرت شهریار اعدل اعظم بپای حضرت ایستاده از حضرت‏ ایزد تعالی جل شأنه توفیق آن یافته که در رعیت‏پروری دقیقهء نامرعی نگذاشته و حال که سنین‏ عمر بهشتاد و نه سال رسید میخواهد که قلم از ورق دفتر تفرقه و قدم از روش و رسم تردد کوتاه و کشیده دارد برخصت عالی روی دربیابان کعبه مراد و مقصود نهد و چند روزی که از عمر باقی‏ باشد در خدمت جاروب‏کشی بیت اللّه الحرام بگذارند و در لیالی و ایامی که در طواف باشد بدعای‏ دوام دولت ابدی الانتظام قیام نماید باقی آنچه بر رای ملک آرای قرار یابد محض بنده‏پروری‏ خواهد بود.الامر اعلی و ارفع.

جواب عریضه خواجه نظام الملک که جلال الدین ملکشاه نوشته.

آصفجاه اقبال پناه دستور الوزراء فی الافاق صاحب اعظم اکرم خواجه جهان معظم‏ دارای نیک رای مکرم رعیت‏پرور عدالت‏گستر معتمد الملک رکن السلطنه ناظم الملک ور الخلافه‏ معز الدین نظام الملک تواما زید قدره و دولته بوفور عنایت بیغایت پادشاهانه مخصوص و ممتاز و متوثق و سرافراز بوده بداند که شفقت درباره آن رکن السلطنه بدرجه اعلی است و توجه‏ خسروانه را بخود مصروف و مقرون شناسد که تا باشد چنین باشد بر آن معتمد الملک واضح باشد که همیشه خاطرانور متوجه اندیشه و فکر آن وزیر نیکو سیر میبوده حال نیزار رای صوا بنمای‏ او که موافق دولت ابدی الاتصال است و از علم الیقین به عین الیقین رسیده و رشته تفکر بجائی‏ کشیده که انجام و مهام مملکت و قرار و آرام رعیت بی‏رای صوا بنمای و تدبیر آن وزیر صافی ضمیر صورت نمی‏بندد و نظام ملک انتظام نمی‏یابد.باش تا از لطف ما بر فرق تو افسر نهند-باش تا شاهان همه برآستانست سر نهند.باید که بیشتر از پیشتر امیدوار بخدا و خداوند بوده و رضا جوی‏ بندگان حضرت خالق کرده از دلالت خیر و منع از شر سعی موفور بظهور رسانی و اجر آن اگر در دنیا نرسد اجر آنرا در آخرت از حضرت ملک غفور طلب دارد اگر حاجت یک فقیر درمانده‏ عاجز باهتمام آن وزیر نیکو مشیر بسمع مبارک ما رسد روا گردد ثواب آن بچندین حج ابری‏ کند و اللّه یهدی من یشاء الی صراط مستقیم.

(1)-این نامه از یک مجموعه خطی بنام مجموعة المراسلات دست‏نویس شد.مجموعه‏ مزبور در بریتیش میوزیوم لندن است.